
امام مهدی (عج)
در کلام بزرگان
محمد فاطمی


بسم الله الرحمن الرحیم

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام بزرگان

نویسنده:

محمد فاطمی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام مهدی (عج) در کلام بزرگان

مشخصات کتاب

نویسنده:محمد فاطمی

ناشر:محمد فاطمی

امام مهدی در کلام امام حسین (ع)

مقدمه

وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم، اروحنا له الفداء، در معارف به عنوان «خونخواه کشته کربلا» [۱] شناخته شده و شیعیان همراهی با آن امام منصور برای گرفتن انتقام خون حسین (ع) و یارانش را یکی از آرزوهای بزرگ خود می دانند، [۲] تا جایی که در هر عاشورا به یکدیگر اینگونه سر سلامتی می دهند:«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین (ع) و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد:» [۳] .خداوند پاداش ما را در عزای مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و او شما را از جمله کسانی که به همراه ولی اش امام مهدی از آل محمد: به خونخواهی او برمی خیزند قرار دهد.در یک کلام نام حسین (ع) و مهدی (ع) برای شیعیان یادآور یک حکایت ناتمام است، حکایتی که آغازگر آن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و پایان بخش آن حضرت بقیه الله الاعظم (ع) است.در هر حال از آنجا که در اذهان شیعیان این دو وجود مقدس از قرابت و ارتباطی جدایی ناپذیر برخوردارند. از همین رو مناسب دیدیم که در ایام عزای سرور آزادگان به بخشی از معارف ارزشمندی که از آن حضرت در ارتباط با فرزند ارجمندش حضرت مهدی (ع) رسیده است اشاره کنیم:

نسب مهدی

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در روایتهای متعددی به این موضوع که حضرت مهدی (ع) از فرزندان و نوادگان ایشان است اشاره کرده اند که از جمله آنها روایتی است که در زیر آمده است:«دخلت علی جدی رسول الله (ص) فاجلسنی علی فخذه و قال لی: ان الله اختار من صلبک یا حسین تسعه ائمه، تاسعهم قائمهم، و کلهم فی الفضل والمنزله عندالله سواء» [۴] .بر جدم رسول

خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، وارد شدم، پس ایشان مرا بر زانوی خود نشانده و فرمود: ای حسین! خداوند از نسل تو نه امام را برگزیده است که نهمین نفر از ایشان قیام کننده آنهاست و همه آنان در پیشگاه خداوند از نظر فضیلت و جایگاه برابر هستند.این موضوع که قائم آل محمد (ص) از نسل حسین (ع) و نهمین نواده اوست در روایات بسیاری، که از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده، آمده است و هر گونه شک و تردید نسبت به نام و نشان و مشخصات موعود آخرالزمان وآخرین ذخیره الهی را برطرف می سازد.«دخلت علی النبی (ص) فاذا الحسین علی فخذه و هو یقبل عینیه وفاه و یقول: انت سید ابن سید انت، امام ابن امام، أنت حجه ابن حجه، ابوحجج تسعه من صلبک تاسعهم قائمهم.» [۵] .بر پیامبر خدا وارد شدم و دیدم که آن حضرت در حالی که حسین را بر زانوی خود نشانده بر چشمها و دهان او بوسه می زند و می فرماید: تو آقایی فرزند آقایی، تو امامی فرزند امامی، تو حجتی فرزند حجتی، تو پدر حجتهای نه گانه ای، از نسل تو نهمین حجت و قیام کننده آنان بر خواهد خاست.

عدالت گستری مهدی

عدالت و تشکیل جامعه ای بر اساس عدل از آرمانهای همیشگی بشر بوده و در طول هزاران سالی که از زندگی انسان بر کره خاک می گذرد و صدها و هزاران نفر در پی تحقق این آرمان، بشریت خسته از ظلم و ستم را به دنبال خود کشیده اند، اما جز در مقاطع کوتاهی از زندگی بشر و آن هم در سرزمینهای محدود هرگز این آرمان بدرستی تحقق نیافته

و هنوز هم عدالت آرزویی دست نیافتنی برای انسان عصر حاضر است.با توجه به همین موضوع در روایتهایی که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم شیعه: وارد شده، گسترش عدالت و از بین بردن ظلم را یکی از بزرگترین رسالتهای امام مهدی (ع) بر شمرده و تحقق عدالت واقعی را تنها در سایه حکومت او امکان پذیر دانسته اند.از جمله این روایتها روایتی است که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده و در آن آمده است:«لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی، فیملاها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعت رسول الله (ص) یقول [۶] .اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد و خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده بود پر از عدل و داد نماید، من این سخن را از رسول خدا، که درود و سلام خداوند بر او باد، شنیدم.پیامبر گرامی اسلامی (ص) نیز قیام عدالت گستر نهمین فرزند امام حسین (ع) را چنین بیان می کنند:«... و جعل من صلب الحسین (ع) ائمه یقومون بامری...التاسع منهم قائم اهل بیتی، مهدی امتی، اشبه الناس بی فی، شمائله و اقواله و افعاله، یظهر بعد غیبته طویله و حیره مظله، فیعلن امرالله و یظهر دین الله...فیملا الارض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما.» [۷] .... خداوند از فرزندان امام حسین، امامانی قرار داده است که امر (راه و روش آیین) مرا بر پا می دارند. نهم آنان قائم

خانـدان مـن مهـدی امتـم می باشـد. او شـبیه تریـن مردمـان اسـت بـه من در سـیما و گفتـار و کردار. پس از غیبـتی طولانـی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می شود، آنگاه امر (آیین) خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد لبریز می کند پس از آنکه از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

صابران در غیبت مهدی

یکی از ارکـان انتظـار فرج صـبر و پایـداری است و انسـان منتظر در واقـع کسـی است که همه سـختیها و ناملایمـات را به امید رسـیدن به آرمان بلنـد خویش تحمل می کنـد و از فشار و تهدیـد زورگویان و طعنه و تکذیب نابخردان هراس به دل راه نمی دهـد، از همین رو در روایات صبر و انتظار همواره قرین یکدیگر بوده و فضـیلت بسـیاری برای صبر پیشـگان در زمان غیبت بر شمرده شده است.حضرت سیدالشهداء (ع) که خود والاترین مظهر صبر و مقاومت در راه ادای تکلیف الهی است در بیان مقام منتظرانی کـه صـبر و شـکیبایی پیشه سـاخته و بر آرمـان خـویش پایـداری می ورزنـد می فرمایـد:«منـا اثنـا عشـر مهـدیا، اولهم امیرالمؤمنین علی بن ابی طـالب، و آخرهـم التاسع من ولـدی، و هو القائم بالحق، یحیی الله به الارض بعـد موتها، و یظهر به دین الحق علی الدین کله، و لو کره المشرکون. له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت فیها علی الدین آخرون، فیؤذون و یقال لهم: «متی هذا الوعـد ان کنتم صادقین ،اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکـذیب بمنزله المجاهـد بالسـیف بین یـدی رسول الله (ص)» [۸] .در میان ما اهل بیت دوازده مهدی وجود دارد که اولین آنها امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین فرزند

من است. و اوست قیام کننده به حق، خداوند به وسیله او زمین را پس از آنکه مرده است زنده می کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان نپسندند. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا بر می گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می مانند، که این گروه را اذیت کرده و به آنها می گویند:«پس این وعده چه شد اگر راست می گویید؟» آگاه باشید آنکه در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند همانند کسی است که در مقابل رسول خدا (ص) با شمشیر به جهاد برخاسته است.شاید بتوان گفت فضیلتهای بی شماری در روایات ما که برای منتظران فرج بر شمرده اند به اعتبار همین صبر و شکیبایی و تحمل مشکلاتی است که منتظران واقعی فرج بر خود هموار می کنند. چنانکه در روایتی که از امام صادق (ع) وارد شده، آمده است:«...فلا یستفرنک الشیطان، فان العزه لله و لرسوله و للمؤمنین، و لکن المنافقین لا یعلمون، الا تعلم ان من انتظر امرنا و صبر علی، یری من الاذی والخوف، هو غدا فی زمرتنا...» [۹] .شیطان تو را تحریک نکند. زیرا که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است لیکن منافقان نمی دانند، آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما (حاکمیت اجتماعی آرمانی ما) باشد، و بر بیمها و آزارهایی که می بیند شکیبایی ورزد، در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود...

خصال مهدی

حضرت مهدی (ع) عصار و فشرده عالم هستی [۱۰] و وارث همه انبیاء اولیاء الهی است، و خداوند متعال همه خصال نیکویی را که در بندگان صالح

پیش از او وجود داشته، در آن حضرت جمع کرده است. به بیان دیگر آنچه خوبان همه دارند او به تنهایی دارد.در زمینه آنچه گفته شد روایتهای بسیاری وارد شده که از جمله آنها می توان به روایت زیر که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده اشاره کرد:«فی القائم منا سنن من الانبیاء: سنه من نوح، و سنه من ابراهیم، و سنه من موسی و سنه من عیسی، و سنه من ایوب و سنه من محمد (ص). فاما من نوح: فطول العمر؛ و اما من ابراهیم: فخفاء الولاده و اعتزال الناس؛ واما من موسی: فالخوف والغیبه؛ و اما من عیسی: فاختلاف الناس فیه، و اما من ایوب: فالفرج بعد البلوی؛ و اما من محمد (ص) فالخروج بالسیف.» [۱۱] .در قائم ما (اهل بیت) سنتهایی از پیامبران الهی وجود دارد؛ سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب: و سنتی از محمد (ص) از نوح طول عمر، از ابراهیم پوشیده ماندن ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی، ترس و غیبت از جامعه، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب گشایش بعد از سختیها و بلایا، و از محمد (ص) قیام با شمشیر را.

سخنان معصومان درباره امام مهدی (عج)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:«لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله تعالی رجلا من اهل بیتی یملوها عدلا کما ملئت جورا»اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند از خاندان من مردی را برانگیزد که آن را پر از عدل و داد کند همچنان که پر از جور و ستم شده باشد.امام علی علیه السلام:«انتظروا الفرج و لا تیاسوا من

روح الله فان احب الاعمال الی الله عز و جل انتظار الفرج»ظهور فرج [قائم آل محمد (ص)] را منتظر باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید، که محبوبترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.امام علی علیه السلام:«لو قد قام قائمنا لا نزلت السماء قطرها و لا خرجت الارض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع والبهائم»اگر قائم ما (آل محمد) قیام کند، آسمان قطرات خود را فرو فرستد و زمین گیاهان خود را بیرون دهد و کینه ها از سینه ها بیرون رود و ددان و چهارپایان در صلح و صفا باشند.امام حسین علیه السلام:«اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله (ص)»هان صبر کنندگان بر اذیت و آزار و تکذیب دشمنان در زمان غیبت قائم آل محمد (علیه السلام) مانند مجاهدانی هستند که همراه پیامبر با شمشیر پیکار می کنند.امام سجاد علیه السلام:«اذا قام القائم اذهب الله عن کل مومن العاهه و رد الیه قوته» زمانی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند خداوند رحمان، مایه فساد را از مومنان برطرف می سازد و توانائی واقتدار گرفته شده را به افراد با ایمان باز می گرداند.امام باقر علیه السلام:«القائم منا منصور بالرعب موید بالنصر... و تظهر له الکنوز... فلا یبقی فی الارض خراب الا عمر»قائم ما (آل محمد) با ترس در دل دشمنان پیروز و با نصرت (حق)تایید شود...گنجها برای او نمایان گردد... و (آن زمان) در زمین هیچ جای خرابی نماند جز آن که آن را آباد گرداند.امام باقر علیه السلام:«اذا قام القائم جات المزامله و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیاخذ حاجته لا یمنعه»به هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آنچه

هست دوستی وهمکاری و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب دیگری بر می دارد بدون هیچ ممانعتی.امام صادق علیه السلام:«من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه فجدوا وانتظروا هنیئا لکم ایتهاالعصابه المرحومه»هر کس که بودن در شمار یاران قائم (عج) او را شادمان سازد باید به انتظار باشد و باید با پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلش فرا رسد و امام قائم (علیه السلام) پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش برابر با پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید گوارا باد شما را ای گروه بخشوده.امام صادق علیه السلام:«من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه... لا بل کمن قارع معه بسیفه... لا والله الا کمن استشهد مع رسول الله (صلی الله علیه و آله»)هر که در انتظار حکومت قائم درگذرد، همچون کسی است که در اردوی حضرت قائم (علیه السلام) است یا حتی همچون کسی است که با شمشیر همراه او می جنگد، نه به خدا سوگند همچون کسی است که در رکاب پیامبر اکرم به شهادت رسیده باشد.امام حسن عسکری علیه السلام:«ان ابنی هو القائم من بعدی یجری فیه سنن الانبیاء:بالتعمیر و الغیبه حتی تقسو قلوب لطول الامد و لا یثبت علی القول به الا من کتب الله عز و جل فی قلبه الایمان و ایده بروح منه»پس از من فرزندم قائم است و اوست که

مانند پیامبران، عمری دراز و غیبت خواهد داشت در غیبت طولانی او دلهایی تیره گردد.فقط کسانی در اعتقاد به او پای بر جا خواهند ماند که خداوند عزو جل دل آنان را به فروغ ایمان ثابت و آنان را با مدد خویش موید گرداند.امام حسن عسکری علیه السلام:«... لا ن طاعه آخرنا کطاعه اولنا و المنکر لا خرنا کالمنکر لا ولنا اما ان لولدی غیبه یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله عزوجل»... فرمانبری از آخرین ما همچون فرمانبری از نخستین ماست و انکار آخرین ما بسان انکار نخستین ماست. هان که فرزند من غیبتی خواهد داشت که مردم در آن دچار تردید خواهند شد مگر آن کسی که خدای عز و جل حفظش کند..

امام مهدی در کلام نبی

آنگاه که گردآمدگان در غدیر خم، چشم بر دهان محمد مصطفی (ص) دوختند تا در جمع یکصدوبیست هزار نفری خود، سخنانش را بشنوند. نبی اکرم(ص) پس از حمد و ثنای خداوند و دعوت مردم به سوی خاندان گرامی نبوت و چنگ زدن به ریسمان ولایت علی بن ابیطالب(ع) فرمودند:«ای گروه مردمان!آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از آن در وجود علی(ع)، آنگاه از او در نسلش تا «قائم المهدی(ع)» که بازگیرنده حق است و جلب کننده همه حقوق ازدست رفته ما.- «الا ـ و ان خاتم الاوصیاء منا القائم المهدی .آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم(ع) از ماست.- «الا انه الظاهر علی الدین کله .آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می شود.- «الا ـ انه المنتقم من الظالمین .آگاه باشید که او انتقامگیر از ستمگران است.- «الا انه فاتح الحصون و هادمها».آگاه باشید که گشاینده و درهم کوبنده

مرزهاست.«الا انه مـدرک بکل ثار لاولیاءالله عز و جل .آگاه باشـید که او خونخواه همه بنـدگان صالح خداست.– «الا انه قاتل کل قبیله من اهل الشـرک .آگاه باشید که او کشنده هر قبیله ای از مشرکان است.– «الا انه الغراف من البحرالعمیق .آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسـی بیکران است.–...آگاه باشـید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.–...آگاه باشـید که او هر دانشـمندی را به دانش وهر نادانی را به نادانی می شـناسد.–...آگاه باشـید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است.– ...آگـاه باشـید که اووارث هر دانش و دربرگیرنـده آن است.–...آگـاه باشـید که او آنچه بگویـد از پروردگارش می گویـد و هشداردهنده به امر ایمان است.–...آگاه باشـید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است.–...آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگـذار شده است.–...آگاه باشـید که هر کس از (پیامبران و امامان) پیش از او، نوید آمدنش را داده اند.–...آگاه باشـید که او تنها حجت بازمانـده خداونـد است، بعـد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش اونیست.–... آگاه باشـید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد.–...آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، و داور او در میان مردم و امین او در آشکار و نهان است.

مهدی موعود از دیدگاه ملاصدرا

اشاره

عبـدالرسول هادیـان شـیرازیاشاره: بحـث دربـاره موعـود آخرالزمـان مسأله ای است که از دیر بـاز مـورد تـوجه اندیشـمندان و متفکران دینی بوده است. و هر کس بسـته به ذوق و اسـتعداد خود به گوشه یـا گوشه هـایی از زوایـای مختلف آن توجه کرده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه عالم ربانی و حکیم الهی محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی (معروف به

صدرالمتألهین و ملاصدرا) می پردازیم.

زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست

ملاصـدرا معتقـد است، بر پیامبر واجب است که برای بعد از خود جانشـینانی قرار دهد، و باید به گونه ای درباره آنها تصـریح کند که جایی برای شک و طعن باقی نماند، زیرا وجود مادی آنها برای همیشه باقی نیست، بناچار باید آشـکارا به وجود امامی تصـریح کند که امت بدان اقتدا نماید. [۱۲] همچنین بایـد دانست که زمین هیـچ گاه از حجت الهی خالی نیست، و با رفتن هر کـدام، نوبت دیگری می رسـد. ایشـان برای این مـدعا به این آیه استشـهاد می کننـد:و لقـد أرسـلنا نوحـاً و إبراهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوه و الکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسـقون ثمّ قفّینا علی آثارهـم برسلنا، و قفّینا بعیسی بن مریم و آتیناه الإنجیل... [۱۳] .ما نوح و ابراهیم را فرسـتادیم، و در فرزنـدان آنها نبوت و کتاب را قرار دادیم، پس از آن بعضـی از آنها هدایت یافتند و بسـیای از آنها فاسق شدند. سـپس به دنبال آنها رسولان دیگر خود را فرسـتادیم، پس از آن عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیـل عطـا کردیم.بیان ملاصـدرا در ذیل این آیه چنین است:این آیه دلیل بر این است که زمان از کسـی که قیام کنـد و حجت خدا بر خلقش باشد، خالی نیست، این سـنت الهی از زمان نوح و آدم و آل ابراهیم تا زمان پیامبر ما جاری بوده و سـنت الهی تبـدیل نمی شود. بـا تمام شـدن نبوت آن ولایتی که باطن نبوت است، تا روز قیامت باقی است. پس بناچار بعـد از سپری شدن زمان رسالت، لازم است ولی و سرپرستی باشد که با کشف شهودی و بدون

یادگیری از خلق، خـدا را عبادت کند، و نزد او منبع تمام دانشـهای دانشـمندان و مجتهدان موجود است، و در امر دین و دنیای مردم ریـاست دارد، و از جـانب خـدا، مردم را به فطرتشـان دعوت می کنـد، چه مردم اطـاعت کننـد چه نکننـد، و یا؛؛ لاپ پ دعوت او را اجابت کننـد یا او را انکار نمایند، و فرقی نمی کند آن ولی ظاهر باشد و دیگران او را ببینند، ویا همچون بسـیاری از ائمه طاهرین از دیـده ها پوشـیده و پنهان باشد. [۱۴] .شاهـد این مطلب فرمایش علی، علیه السـلام، به کمیل است که پس از بیان فضـیلت علم و ارزش علما می فرماید:أللّهم بلی! لا تخلواالأرض من قائم للّه بحجّه، ظاهراً و مشـهوراً، أو مسـتتراً مغموراً لئلّا تبطـل حجـج اللّه و بینـاته، کم ذا و أین أولئک؟ أولئک واللّه الأقلون عـدداً، الأعظمون خطراً، بهم یحفظاللّه حجته و بیناته حتی یودعوها نظرائهم، و یزرعوها فی قلوب أشـباههم. هجم بهم العلم علی حقیقهالبصیره و باشروا روح الیقین، و استلانوا ما استوعره المترفون، و أنسوا بمـا اسـتوحش منه الجاهلون، صـحبواالدنیا بأبـدانٍ أرواحها معلّقه بالمحل الأعلی؛ أولئک خلفاءاللّه فی أرضه، والـدعاه إلی دینه. آه! آه! شوقاً إلی رؤیتهم.بار خـدایا! آری، زمین از قیام کننـده برای خدا به وسـیله حجت و دلیل، خالی نمی مانـد، یـا آشـکار و مشـهور است، یـا پنهـان و مجهول، تـا اینکه حجتهـا و دلیلهـای خـدا از بین نرود. اینها چنـد نفرنـد؟ و کجا هستند؟سوگند به خدا که اینها از نظر شمارش اندک هستند و از نظر منزلت و بزرگی، بسیار بزرگوار و بلند مرتبه اند. به وسیله اینها حجت و دلیلهای روشن خدا حفظ می شود تا آن را به همانند آنها بسپارند، و آن را در قلبهای

همانند آنها کشت نمایند.علم و دانش با بصیرت حقیقی به اینها روی آورده، و روح یقین را به کار بسته اند. آنچه را که اشخاص خوش گذران سخت می گیرند، اینها آسان می گیرند. و به آنچه که افراد نادان از آن وحشت دارند، انس گرفته اند به وسیله بدنهایی که ارواح آن به جای بسیار بلندی آویخته، در دنیا زندگی می کنند. اینها جانشینان خدا در زمینش هستند که به سوی دین او دعوت می کنند. آه! آه! چه بسیار مشتاق دیدار آنها هستیم. [۱۵] .صدرالمتألهین پس از بیان علی، علیه السلام، نتایجی به شرح زیر می گیرند:اول: عالِم حقیقی ولایت و ریاست در دین دارد.دوم: سلسله عرفان به خدا و ولایت مطلقه هیچگاه قطع نمی شود.سوم: آبادی جهان و انسانها و سایر حیوانات و همه موجودات به خاطر وجود آن عالم ربانی است.چهارم: آن حجت الهی واجب نیست ظاهر باشد و چه بسا پنهان باشد.پنجم: اولیای خاص الهی، با الهام از خداوند، علوم و معارف را کسب می کنند.ششم: با این اوصاف شرافت حکمت الهی و منزلت صاحبان روشن می شود که چگونه علی، علیه السلام، مشتاق لقای آنهاست. [۱۶] .

شرایط امامت و تعیین مصداق

امامِ منصوب از جانب خدا باید از گناهان پاک باشد، و باید دارای اوصاف کمالیه ای همچون علم، قدرت، شجاعت، کرم، زهد، مروت، و فصاحت در حد اعجاز باشد که اجتماع همه آنها در یک نفر کمیاب باشد و با آن شایسته خلافت در زمین و سپس آسمان شود.همچنین امام باید از نقصها و عیبهای نفسانی که با خلافت جمع نمی شود، همچون کفر، جهل، سفاهت، تندخویی، کبر و نفاق و از امراض بدنی پاک باشد.صدرالمتألهین پس از بیان این اوصاف می گوید:پس از رسول خدا، صلّی اللّه علیه وآله، هیچ

کس جز علی بن أبی طالب – برادر و پسر عموی پیامبر – دارای چنین فضایل و کمالاتی نبود.و برای اثبات این مدعا، سه دلیل ذکر می کند:دلیل اول، کلام خدا که می فرماید:لا ینال عهدی الظالمین. [۱۷] .عهد من به ظالمان نمی رسد.دلیل دوم، آیه شریفه:إنّما ولیکم اللّه و رسوله و الّذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون. [۱۸] .تنها ولی شما خدا و رسول او، و کسانی هستند که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.دلیل سوم، تصریح به ولایت علی، علیه السلام، در حجهالوداع، و احادیث دیگری که از پیامبر رسیده است.سپس می گوید:بعد از علی، علیه السلام، اولاد معصومش که این صفات در آنها جمع است، شایستگی ولایت دارند تا برسد به صاحب این زمان، حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، که به قسط و عدل قیام می کند، زیرا بوسیله او زمین از عدل و قسط پر می شود، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است.پس وجود آن حضرت ثمره عالم و کمال آن است و با از بین رفتن او همه چیز زایل می شود. زیرا ثابت شده که وجود انسان کامل علت غایی این عالم است. و این مباحث از راه تتبع در آثار و اخبار به دست می آید، نه از طریق مباحث کلامی و استدلال. [۱۹] .همچنین در شرح اصول کافی، پس از ذکر روایاتی که دلالت دارد که ائمه دوازده نفرند، در جمع بندی می گوید:تمام این روایات سندشان از طریق اهل سنت ذکر شده و در کتب صحاح آنها، همه آنها ثابت است.و در ذیل روایت دیگری درباره حضرت مهدی، از شارح»مشکوه«نقل می کند که:این احادیث و امثال آن، دلیل روشنی است بر

این که خلافت مختص به قریش است و برای غیر آنها جایز نیست، و پیامبر اکرم، صلّی اللّه علیه وآله، نیز فرموده این حکم تا آخر روزگار است، و کسی که در عقلش آفتی نباشد، و جلو چشمان بصیرتش حجابی نباشد، می داند که این روایات متواتر و صحیح دلالت دارد که جانشینان پیامبر دوازده نفرند که همه از قریش هستند، و دین الهی و اسلام را تا قیامت بپا می دارند، و جز ائمه شیعه امامیه کسی چنین صفاتی ندارد. [۲۰] .

فضیلت اهل بیت

اعتقاد ملاصدرا این است که انسانها از لحاظ درجه روحی و در شدت و ضعف با هم متفاوتند. [۲۱] بالاترین مرتبه کمال روحی روح انبیاست، و در میان پیامبران نیز شریف ترین روح، روح خاتم آنهاست، سپس روح اولیای الهی و اهل پیامبر که سلسله آنها تا زمان حضرت مهدی ادامه دارد. [۲۲] .اولیای الهی و علمای بعد از پیامبر تا قیام مهدی، و حتی کسانی که قبل از پیامبر بوده اند از راه باطنی، از روح پیامبر، صلّی اللّه علیه وآله، بهره می جویند. [۲۳] .همچنین در دست این بزرگواران کتاب جفر و جامعه به ودیعه گذاشته شده و تا ظهور حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، از هر امامی به امام دیگر می رسد، و هر چه حلال و حرام خداست و هر چه انسان بدان محتاج است، در آن وجود دارد. [۲۴] .

ایمان به حضرت مهدی ایمان به غیبت است

بر اساس بسیاری از روایات آخرین سلسله امامت به حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، می رسد بر همین اساس ایشان تصریح می کند که علمای امامیه اتفاق نظر دارند که امام زمان ما، همان مهدی است که ظهورش در آخرالزمان وعده داده شده است. و بنا بر [۲۵] بعضی روایات که از اصحاب ما رسیده است، مراد به«الذین یؤمنون بالغیب«زمان غیبت و زمان قیام [۲۶] آن حضرت است که قرآن و روایات از آن خبر داده است. [۲۷] .

ویژگی های حضرت مهدی در هنگام ظهور

از مطالبی که بیان شد، روشن می شود که کارهایی که در زمان ظهور حضرت مهدی، علیه السلام، تحقق می یابد کاملاً با خواسته های پیامبر اسلام منطبق است، زیرا بین این دو، به وسیله امری باطنی ارتباط وجود دارد، و به همین جهت اهداف وحی و نبوت، در زمان ظهور آن حضرت تحقق می یابد، و شعاع خورشید حقیقت همه جا را فرا می گیرد. در آن روز نور دین و توحید الهی ظهور پیدا می کند و ظلمتهای شرک ابلیسی غروب می کند، باطل بکلی رخت بر می بندد، زیرا بعد از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده است، خداوند به وسیله او زمین را از قسط و عدل پر می کند. [۲۸] .از ویژگیهای زمان ظهور این است که اختلاف بین اهل ظاهر برطرف می شود، و اجتهاد و کلام از بین می رود و احکام مختلف در یک مسأله تبدیل به یک حکم می شود، و آن هم همان حکمی است که در علم خدای سبحان است، و همچون زمان رسول خدا مذهبها به یک مذهب تبدیل می شود، چون این مطابق علم الهی است.بنابراین، اگر اجماع فقها در یک فتوا مخالف کشف صحیح باشد، حجّت نیست، هر

چند که مطابق صراحت روایات باشد. بر اساس این مبنا، اگر کسی از راه کشف صحیح به حکمی از احکام الهی پی برد؛ و در انجام اعمال، با اجماع فتاوی اهل ظاهر مخالفت کند، در این مخالفت ملامتی نیست و از شریعت خارج نشده است، چون از راه باطن کلام پیامبر و باطن کتاب و سنت را به دست آورده است. [۲۹] .

صدر المتألهین و مسأله رجعت

در روایاتی از اهل بیت، علیهم السلام، آمده است که خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که بوده اند، به این دنیا برمی گرداند.این واقعه نسبت به کسانی است که در مراتب بالایی از ایمان و یا در نهایت فساد باشند، و در زمان قیام حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، اتفاق می افتد. این همان معنای»رجعت«است، و از دیر باز مورد اختلاف علمای دین بوده است.نظر صدرالمتألهین این است که با توجه به روایات زیاد و صحیحی که از امامان و بزرگان از اهل بیت رسیده است، مذهب رجعت حق است و هنگام ظهور قائم آل محمد تحقق می یابد. در این باره مانع عقلی هم وجود ندارد، چون شبیه به آن در زنده شدن مردگان با اذن خداوند و به دست پیامبرانی همچون حضرت عیسی و شمعون اتفاق افتاده است. [۳۰] .

اهل سنت و مسأله امامت و مهدویت

صدرالمتألهین با ذکر دو نظریه از اهل سنت درباره امامت و حضرت مهدی، هر دو را رد می کند.درباره امامت، با تعجب می گوید:اینها امام را به پادشاهان دنیوی و قدرتمندان حمل کرده اند، چه عالم باشند، چه جاهل، چه عادل باشند، چه فاسق.سپس بر آنها خرده می گیرد که با توجه به اینکه در روایات آمده است:من مات و لم یعرف إمام زمانه، مات میتهالجاهلیهکسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.حال برای شناخت این امام جاهل و فاسق چه ثمره ای وجود دارد که اگر کسی بمیرد و آن را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ [۳۱] .اما درباره حضرت مهدی، عجّل اللّه تعالی فرجه، نیز آنها وجود آن حضرت و بقایش را تا این زمان بعید می شمارند.ایشان در جواب می گوید:این استبعاد در نهایت سقوط است، زیرا دلایل طبی و نجومی

محال بودن بقای انسان بعد از ۱۲۰ سال را درست نمی داند، و همچنین ما مواردی از گذشتگان را سراغ داریم که عمرهای طولانی داشته اند؛ مثل آدم و نوح و امثال آن دو و همچنین دجّال لعین که عمرش از زمان رسول خدا تا وقت خروج مهدی ادامه دارد. [۳۲] .با توجه به مطالبی که بیان شد، اعتقاد مرحوم صدرالمتألهین به مهدی موعود، علیه السلام، و ظهور آن حضرت و همچنین مسأله رجعت، بر پایه آیات الهی و روایات معصومین، بنا نهاده شده و با عقل سلیم نیز هماهنگ است. همچنانکه در بعضی مباحث، برای اثبات مدعای خود از برهان عقلی استفاده کرده است.

نظره فی احادیث المهدی

الشیخ محمد الخضر حسینوردت احادیث تنبیء بظهور رجل فی آخر الزمان یقیم العدل ویحکم الناس بالشریعه، وسمی فی بعض هذه الاحادیث بالمهدی، وکثیراً ما یتشوف الناس الی ان یقفوا علی حقیقیه هذه حقیقه هذه الاحادیث الوارده فی شأنه، ویعرفوا موقعها من الصحه، ولا سیما عندما یقوم شخص یدعی المهدویه، او تحدث حادثه غریبه کحادثه هذه الایام، تدعو الناس الی انی یجعلوا لها نصیبا من الحدیث فی مجالسهم.ذلک ما دعانی بصفه انی کنت مدرساً للحدیث وعلوم الحدیث فی کلیه اصول الدین الی ان اعرض فی هذه المحاضره ما وصل الیه بحثی، واستقر علیه نظری فی هذه القضیه، مستنداً الی القواعد الصحیحه التی تضع کل حدیث موضعه، غیر قابل عما یترتب علی بعض الاعتقادات من فساد فی العلم، او یجول فی النفس من شبه یثیرها الوهم، فأقول:الأحادیث النبویه فی العلم، ما یسمی بالحدیث المتواتر، وهو ما یرویه عن النبی صلی الله علیه واله وسلم جماعه یستحیل فی العاده تواطؤهم علی الکذب، ومنها خبر

الآحاد، وهو ما يرويه الثقه العدل عن النبى صلى الله عليه وآله وسلم. وما يدعو اليه الدين الحق: اما ان يكون أصلاً من أصول الدين، أى لا تتم حقيقه الايمان الا به، وهذا لا يحتج عليه الا بالحديث المتواتر؛ واما أن يكون حكما عملياً، كأن يقال هذا واجب او حرام او جائز. وهذا موضع الاحتجاج بخبر الآحاد. ويلحق بالأحكام العمليه فى صحه الاحتجاج عليه بخبر الآحاد اشياء يخبر بها الشارع ليعلمها الناس من غير ان يتوقف صحه ايمانهم على معرفتها. ومن هذا القبيل حديث المهدى، فاذا ورد حديث صحيح عن النبى صلى الله عليه واله وسلم بأنه سيقع فى آخر الزمان كذا، حصل به العلم، ووجب الوقوف عنده من غير حاجه الى ان يكثر رواه هذا الحديث حتى يبلغ مبلغ التواتر.والاحاديث الوارده فى شأن المهدى على وجهين: احاديث صرح فيها بأسم المهدى كحديث ابى سعيد الخدرى رضى الله عنه: (المهدى منى أجلى الجبهه اقنى الأنف يملأ الارض قسطاً وعدلاً)، واحاديث لم يصرح فيها بهذا الاسم، وانما اشير اليه فيها بصفات خاصه كحديث: (لو لم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلًا من أهل بيتى يملأها عدلاً كما ملئت جوراً).ولم يرو فى الجامع الصحيح للامام البخارى حديث فى شأن المهدى، وانما ورد فى صحيح مسلم حديث لم يصرح فيه باسمه، وحمله بعضهم على ان المراد منه المهدى المصرح به فى غيره من كتب السنه؛ وهو حديث جابر بن عبد الله الانصارى اذ قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم (يكون فى آخر أمتى خليفه يحثى المال حثياً لا يعده عداً)، وفى روايه عن جابر وابى سعيد الخدرى فى مسلم ايضا: (يكون فى آخر

الزمان خليفه يقسم المال ولا يعده).وقد روى احاديث المهدى المصرح فيها باسم المهدى او المشار فيها الى بعض صفاته بقيه كتب الحديث، فرواها: الامام احمد بن حنبل والحاكم وابو داود والترمذى وابن ماجه والطبرانى وابو نعيم وابن ابى شيبه وابو يعلى والدار قطنى والبيهقى ونعيم بن حماد وغيرهم. وجمعت هذه الاحاديث فى رسائل مستقله، مثل: «العرف الوردى فى اخبار المهدى» للسيوطى و«القول المختصر فى علامات المهدى المنتظر» لابن حجر الهيتمى و «المورد الوردى فى حقيقه المهذى» لملا على قارى و «التوضيح فى تواتر ما جاء فى المنتظر والدجال والمسيح» للشوكانى...وأول من اتجه الى نقد احاديث المهدى فيما عرفنا ابو زيد عبد الرحمن بن خلدون، فقد ذكر فى مقدمه تاريخه ان فى الناس من انكروا احاديث المهدى وتكلموا فيها، واورد منها ثمانيه وعشرين حديثاً. وقد منعه ما اعتاده من تحقيق البحث فى القضايا العلميه ان يحكم عليها كما يفعل غير اهل العلم بأنها غير ثابته، بل تصدى الى نقدها بنقل ما قدح به اهل الفن فى بعض رواتها، واورد من بينها حديث ابى سعيد الخدرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم: (لا ـ تقوم الساعه حتى تملأ الارض جوراً وظلماً وعدواناً، ثم يخرج من اهل بيتى رجل يملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً)، وقال: هذا الحديث رواه الحاكم، وقال: هذا صحيح على شرط الشيخين يعنى البخارى ومسلماً ولم يخرجاه، واورد فيها ما رواه الحاكم ايضا عن ابى سعيد الخدرى عن رسول الله صلى الله عليه واله وسلم قال: (يخرج فى آخر امتى المهدى يسقيه الله الغيث، وتخرج الارض من نباتها، ويعطى المال صحاحاً، وتكثر الماشيه، وتعظم الامه، يعيش سبعاً او ثمانياً)

يعنى حججاً. وقال الحاكم فى هذا الحديث: صحيح الاسناد ولم يخرجاه، يعنى البخارى ومسلماً.ثم اعترف ابن خلدون بعد بأن بعض الاحاديث خلص من النقد اذ قال: فهذه جمله الاحاديث التى خرجها الائمه فى شأن المهدى وخروجه آخر الزمان كما رأيت، لم يخلص منها من النقد الا القليل والاقل منه.ونحن نقول: متى تثبت حديث واحد من هذه الاحاديث وسلم من النقد، كفى فى العلم بما تضمنه من ظهور رجل فى آخر الزمان يسوس الناس بالشرع، ويحكمهم بالعدل، اذ أريناك ان مسأله المهدى لم تكن من قبيل العقائد التى لا تثبت الا بالادله القاطعه.والصحابه الذين رويت من طريقهم احاديث المهدى نحو (٢٧) صحابياً رضى الله عنهم منه ابو سعيد الخدرى، وعبد الله بن مسعود، وعلى بن ابى طالب، وابو هريره، وانس بن مالك، وجابر بن عبد الله الانصارى، وام سلمه وعبد الله بن عمرو بن العاص، وعمار بن ياسر، والعباس بن عبد المطلب، وتميم الدارى، وابن عباس.والواقع ان احاديث المهدى بعد تنقيتها من الموضوع والضعيف القريب منه، فان الباقى منها لا يستطيع العالم الباحث على بصيره ان يصرف عنه نظره، كما يصرفه عن الاحاديث الموضوعه. وقد صرح الشوكانى فى رسالته المشار اليها آنفاً بأن هذه الاحاديث بلغت مبلغ التواتر فقال: (والاحاديث الوارده فى المهدى التى امكن الوقوف عليها، منها خمسون فيها الصحيح والحسن والضعيف المتجبر، وهى متواتره بلا شك، بل يصدق وصف التواتر على ما دونها على جميع الاصطلاحات المحرره فى الاصول».يقول بعض المنكرين لاحاديث المهدى جمله: ان هذه الاحاديث من وضع الشيعه لا محاله، ويرد هذا بأن هذه الاحاديث مرويه بأسانيدها. منها ما تقصينا رجال سنده، فوجدناه ممن عرفوا بالعداله والضبط، ولم يتهم احد من رجال

التعديل والتجريح بتشيع مع شهره نقدهم للرجال.وقال ابن خلدون: وربما تمسك المنكرون لشأن المهدى بما رواه محمد بن خالد الجندى عن أبان بن صالح عن الحسن البصرى عن انس بن مالك عن النبى صلى الله عليه واله وسلم انه قال (لا مهدى الا عيسى).وهذا حديث مصنوع فقد قال نقاد الاسانيد كالحاكم: ان محمد بن خالد رجل مجهول. وقال ابن عبد البر: انه متروک. وقال الازدى: منكر الحديث، وآخذ فى مثل هذا بقول ابن حزم: اذا كان فى سند الحديث رجل مجروح بكذب، او غفله، او مجهول الحال، لا يحل عندنا القول به، ولا تصديقه، ولا الاخذ بشىء منه.وقد اتخذ مسأله المهدى كثير من القائمين لانشاء دول، وسيله الى الوصول الى غاياتهم، فادعوا المهدويه ليتهافت الناس على الالتفاف حولهم، فالدوله الفاطميه قامت على هذه الدعوه، اذ زعم مؤسسها عبيد الله انه المهدى. ودوله الموحدين جرت على هذه الدعوه، فان مؤسسها محمد بن تومرت اقام امره على هذه الدعوه.وظهر فى ايام الدوله المرينيه بفاس رجل يدعى التوزرى، واجتمع حوله رؤساء صنهاجه وقتله المصامده.وقام رجل اسمه العباس سنه ۶۹۰ ه، فى نواحى الريف من المغرب وزعم انه المهدى، واتبعه جماعه، وآل امره الى ان قتل وانقطت دعوته.وبعد ثوره احمد عرابى بمصر ظهر فى السودان رجل يسمى محمد احمد ادعى انه المهدى، واتبعته قبيله البقاره عن جهينه على انه المهدى سنه ۱۳۰۰ ه، وهو الذى خلفه بعد موته التعايشى احد زعماء قبيله البقاره.والفرقه الكيسانيه يجعلون المهدى محمد بن الحنفيه، ويزعمون انه مختف فى جبل رضوى بين المدينه وينبع.والشيعه الاماميه يقولون: ان محمد بن الحسن العسكرى هو المهدى المنتظر، ويزعمون انه اختفى فى سرداب بالحله من بلاد العراق فى اواخر

القرن الخامس الهجری.واذا اساء الناس فهم حدیث نبوی، او لم یحسنوا تطبیقه علی وجهه الصحیح، حتی وقعت وراء ذلک مفاسد، فلا ینبغی ان یکون ذل داعیا الی الشک فی صحه الحدیث، او المبادره الی انکاره، فان النبوه واقعه بلا شبهه، وقد ادعاها اناس کذباً وافتراء، وأخلوا بدعواهم کثیراً من الناس، مثل ما یفعل طائفه القادیانیه الیوم. والالهیه ثابته بأوضح من الشمس فی کبد السماء، وقد ادعاها قوم لزعمائهم علی معنی ان الله جل شأنه یحل فیهم، مثلما یفعل طائفه البهائیه فی هذا العهد فلیس من الصواب انکار الحق من اجل ما الصق به من باطل.والخلاصه: ان احادیث المهدی ما یعد فی الحدیث الصحیح، وبما انی درست علم الحدیث، ووقفت علی ما یمیز به الطیب من الخبیث ارانی ملجأ الی ان اقول کما قال رجال الحدیث من قبلی: ان قضیه المهدی لیست بقضیه مصطنعه.ولا اترک مکانی هذا حتی انبه علی انه لم یرد، ولو فی الاحادیث الموضوعه، ان المهدی یولد من غیر اب. وانبه علی ان الحدیث الذی ذکره ابو بکر الاسکافی فی کتاب (فوائد الاخبار) موضوع، وهو حدیث: (من کفر بالمهدی فقد کفر) وابو بکر الاسکافی من المتهمین بوضع الاحادیث: «سبحانک لا ـ علم لنا الا ـ ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم».

بعض ما ورد فی احادیث الاصحاب والتابعین حول الامام المهدی

مر علینا فی الفصول السابقه أحادیث الرسول الأعظم (صلّی الله علیه وآله) والأئمه الأطهار (علیهم السلام) فی الإمام المهدی (صلوات الله وسلامه علیه)، ونقدم فی هذا الفصل کلمات کبار الصحابه والتابعین (رضوان الله علیهم) فیه (علیه السلام)، وإجماعهم علی ظهوره وتسالمهم علی قیامه، نورد لکل منهم کلمه واحده:۱ قال جابر بن عبد الله الأنصاری فی الإمام زین العابدین (علیه السلام):ما رؤی فی

أولاـد الأنبياء مثل على بن الحسين إلا يوسف بن يعقوب، والله لـذريه على بن الحسين أفضل من ذريه يوسف بن يعقوب، وإنّ منهم لمن يملأ الأرض عـدلاً كما ملئت جوراً. (بحار الأنوار ۱۱:۱۹)۲ لما دخل سـلمان (رضى الله عنه) الكوفه ونظر إليها، وذكر مـا يكون من بلائها، حتى ذكر ملك بنى أميه والـذين من بعـدهم.قال: فإذا كان ذلك فالزموا أحلاس بيوتكم حتى يظهر الطاهر ابن الطاهر المطهر، ذو الغيبه الشـريد الطريـد. (الغيبه للشـيخ الطوسـى: ۱۱۲)۳ قال عمار بن ياسـر:علامه خروج المهـدى انسـياب الترك عليكم، وأن يموت خليفتكم الذى يجمع لكم الأموال، ويستخلف رجلًا من بعده ضعيفاً يُخلع بين سنتين، ويخسف بغربى مسـجد دمشق، وخروج ثلاثه نفر بالشام، وخروج أهل المغرب إلى مصـر، وتلك أماره خروج السفيانى. (كشف الأستار: ۱۳۳)۴ قـال عبـد الله بن العباس بن عبـد المطلب:إنّه يملأ الأرض عـدلاً كما ملئت جوراً، وتأمن البهائم والسـباع فى زمنه، وتلقى الأرض أفلاذ كبـدها أى مثل الأسـطوانه من الذهب والفضه . (الصواعق المحرقه: ۹۹)۵ قال كعب الأحبار:إنّى لأجـد المهدى مكتوباً فى أسـفار التوراه: مـا فى عمله ظلم ولاـ عتب. (الملاـحم والفتن: ۸۲)وقـال: المهـدى خـاشع لله كخشوع الزجاجه. (الملاحم والفتن: ۴۷)۶ قـال صعصـعه بن صوحان للنزال بن سبره:إنّ الـذى يصـلى خلفه عيسـى ابن مريم هو الثانى عشـر من العتره، التاسع من ولد الحسـين بن على، وهو الشـمس الطـالعه من مغربهـا، يظهر عنـد الركن والمقـام، يطهّر الأرض، ويضع ميزان العـدل فلا يظلم أحد أحداً. (بحار الأنوار ۱۳:۱۵۶)۷ قـال طـاووس:وددت أنّى لا أموت حتى أدرك زمان المهـدى، يزداد المحسن فى إحسانه ويثاب فيه على المسىء. (الملاحم والفتن: ۴۵)۸ عن قتاده: قال:قلت لسعيد بن المسيب: المهدى حق هو؟قال: حق.قلت: ممن

هو؟قال: من قريش.قلت: من أی قریش؟قال: من بنی هاشم بنی عبد المطلب.قلت: من أی عبد المطلب؟قال: من ولد فاطمه. (الملاحم والفتن: ۴۹)۹ قال محمد بن سیرین وقد ذکر المهدی (علیه السلام) فقال:فقد کان یفضل علی بعض الأنبیاء. (کشف الأستار: ۱۹۶)۱۰ قال عمرو بن العاص:علامه خروج المهدی إذا خسف بجیش فی البیداء، فهو علامه خروج المهدی. (منتخب الأثر: ۴۵۹)۱۱ قال عامر بن شراحیل الشعبی:اعلم أنّ روایاتنا نحن وأکثر أهل الإسلام أیضاً أن نبینا (صلّی الله علیه وآله) قال: لابد من مهدی من ولد فاطمه ابنته، یظهر فیملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت من غیره ظلماً وجوراً. (غایه المرام: ۷۰۴)۱۲ قال محمد بن مسلم الزهری:إذا التقی السفیانی والمهدی للقتال، یومئذ یسمعون من السماء صوتاً: ألا إن أولیاء الله من أصحاب فلان. یعنی المهدی. (منتخب الأثر: ۴۸۱)۱۳ قال إسماعیل بن عبد الرحمن السدی:یجتمع المهدی وعیسی ابن مریم فیجیء وقت الصلاه فیقول المهدی لعیسی تقدم، فیقول عیسی: أنت أولی بالصلاه، فیصلی عیسی وراءه مأموماً. (تذکره الخواص: ۲۷۷)۱۴ قال مقاتل بن سلیمان فی تفسیر قوله تعالی:(وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَهِ): إنّها نزلت فی المهدی. (المهدی للصدر: ۱۴۱)۱۵ قال عبد الله بن عمر:إذا خسف بجیش البیداء فهو علامه خروج المهدی. (الملاحم والفتن: ۵۰)۱۶ قال زید بن علی بن الحسین (علیهم السلام) لابن بکیر:بنا عُرف الله، وبنا عُبد الله، ونحن السبیل إلی الله، ومنا المصطفی والمرتضی، ومنا یکون المهدی قائم هذه الأمه.قلت: یا بن رسول الله هل عهد إلیکم رسول الله (صلّی الله علیه وآله) متی یقوم قائمکم؟قال: یا بن بکیر إنّک لن تلحقه وإنّ هذا الأمر تلیه سته من الأوصیاء بعد هذا، ثم یجعل الله خروج قائمنا فیملؤها قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً

وظلماً. (بحار الأنوار ۱۱:۵۸)۱۷ قال محمد ابن الحنفیه لمحمد بن بشیر فی علامات خروج المهدی:إذا رأیت الحاجه قد ظهرت، وقال الرجل بتُّ اللیله بغیر عشاء، وحتی یلقاک بوجه آخر... فعند ذلک تقع الصیحه من قریب. (بحار الأنوار ۱۳:۱۶۹)۱۸ قال علی بن عبد الله بن عباس: لا یخرج المهدی حتی تطلع مع الشمس آیه. (بحار الأنوار ۱۳:۱۶۲)۱۹ قال سعید بن جبیر:السنه التی یقوم فیها المهدی تمطر أربعاً وعشرین مطره، یُری أثرها وبرکتها. (الغیبه لشیخ الطوسی: ۲۸۵)

بعض ما ورد فی احادیث الرسول الاکرم حول الامام المهدی

تواتر الحدیث عن الرسول الأعظم (صلّی الله علیه وآله) فی الإمام المهدی (علیه السلام)، وأنّ اسمه اسم النبی (صلّی الله علیه وآله)، وکنیته کنیته، یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجورا.وهذه الأحادیث بکثره لا یمکن حصرها، وبتواتر یقطع بصحتها، فلا یکاد یخلو منها کتاب فی الحدیث، أو معجم فی التراجم والسیر، ولو تصدینا لجمع ما أمکن منها لکانت موسوعه کبری فی الحدیث، وتمشیاً مع هذا المختصر سجلنا منها عشرین حدیثاً من أحادیثه (صلّی الله علیه وآله) یختلف کل واحد عن الآخر لفظاً ومعنیً، أخذناها من عشرین کتاباً وقد حذفنا سند هذه الأحادیث مکتفین بذکر المصدر.وهذا إن دل علی شیء فإنّما یدل علی تواتر حدیث المهدی (علیه السلام)، وأنّ الرسول الأعظم (صلّی الله علیه وآله) کان یبشر الأمه الإسلامیه بظهوره فی کل نادٍ ومحفل، ومنتدی ومجمع، والیک الآن:۱ قال رسول الله (صلّی الله علیه وآله):لن تنقضی الأیام واللیالی حتی یبعث الله رجلاً من أهل بیتین یواطئ اسمه اسمی، یملؤها عدلاً وقسطاً، کما ملئت ظلماً وجورا. (الإرشاد للشیخ المفید: ۳۷۳)۲ أخرج أحمد والترمذی وأبو داود وابن ماجه عنه (صلّی الله علیه وآله):لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لبعث الله فیه

رجلاً من أهل بيتى يملؤها عـدلاً كما ملئت جورا. (إسعاف الراغبين بهامش نور الأبصار: ۱۳۴)۳ عن المعلى بن زيـاد عن العلاء قـال: قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):أبشـركم بالمهـدى يبعث فى أمتى على اختلاف من الناس وزلازل فيملأ الأرض قسـطاً وعـدلاً كمـا ملئت جوراً وظلمـاً، يرضـى عنه سـاكن السـماء وسـاكن الأرض، يقسم المال صـحاحاً.فقال رجل: ما صـحاحا؟قال: بالسويه بين الناس، ويملأ الله قلوب أمه محمـد (صلّى الله عليه وآله) غنى، ويسـعهم عـدله، حتى يأمر منادياً فينادى فيقول: من له فى المـال حـاجه؟ فمـا يقوم من النـاس إلاـ رجـل، فيقول: أنـا، فيقول: ائت السـدان يعنى الخازن فقل له: إن المهـدى يأمرك أن تعطينى مالاً. فيقول له: أحث، حتى إذا جعله فى حجره وأبرزه نـدم فيقول: كنت أجشع أمه محمد نفساً، أو عجز عنى ما وسـعهم. قال: فيرده فلا يقبل منه. فيقول: إنّا لا نأخـذ شـيئاً أعطيناه فيكون كـذلك سـبع سـنين أو ثمان سـنين أو تسع سـنين، ثم لا خير فى العيش بعـده، أو قال: لا خير فى الحياه بعده. (البيان فى أخبار صاحب الزمان: ۸۵)۴ عن سلمان المحمدى قال: دخلت على النبى (صلّى الله عليه وآله) والحسـين على فخذه وهو يقبل عينيه، ويلثم فاه ويقول:إنّك سيد ابن سيد أبو ساده، إنك إمام ابن إمام أبو أئمه، وإنّك حجه ابن حجه أبو حجج تسعه من صلبك، تاسعهم قائمهم. (مقتل الحسين للخوارزمى ۱:۱۴۶)۵ قالرسول الله (صلّى الله عليه وآله):يخرج فى آخر الزمان رجل من ولدى اسـمه كاسمى، وكنيته ككنيتى، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، فذلك هو المهدى. (تذكره الخواص: ۲۰۴)۶ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):لا تذهب الأيام والليالى حتى يملك رجل من

أهل بيتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. (الملاحم والفتن لابن طاووس: ۱۰۱)۷ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله) لفاطمه (عليها السلام):المهدى من ولدك. (الحديث الرابع من أربعين الحافظ أبى نعيم. انظر كشف الغمه: ۳۲۱)۸ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):المهدى منا أهل البيت، يصلحه الله فى ليله. (إكمال الدين ۱:۲۵۶)۹ عن أبى هريره قال: قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم. (صحيح البخارى ۲:۱۷۸)۱۰ عن أبى الحسن الرضا عن آبائه (عليهم السلام): قال: قال النبى (صلّى الله عليه وآله):والذى بعثنى بالحق بشيراً ليغيبن القائم من ولدى بعهد معهود إليه منى، حتى يقول أكثر الناس ما لله فى آل محمد (عليه السلام) حاجه، ويشك آخرون فى ولادته، فمن أدرك زمانه فليتمسك بدينه ولا يجعل للشيطان إليه سبيلاً بشكه فيزيله عن ملتى، ويخرجه من دينى، فقد أخرج أبويكم من الجنه من قبل، وإنّ الله عز وجل جعل الشياطين أولياء للذين لا يؤمنون.۱۱ أخذ (صلى الله عليه وآله) بيد على فقال:يخرج من صلب هذا فتىً يملأ الأرض قسطاً وعدلاً. فإذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى التميمى فإنه يُقبل من قبل المشرق وهو صاحب رايه المهدى. (الفتاوى الحديثه ص۲۷، لأحمد شهاب الدين بن حجر الهيثمى)۱۲- عن ذر بن عبد الله قال: قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتى، يواطئ اسمه اسمى. (نور الأبصار للشبلنجى ص۱۵۵)۱۳ عن أنس بن مالك (رضى الله عنه) قال: قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):نحن بنو عبد المطلب سادات أهل الجنه: أنا وحمزه وعلى وجعفر بن أبى طالب والحسن والحسين والمهدى. (ذخائر العقبى

للعلامه الحافظ محب الـدين أحمد بن عبد الله الطبرى ص١٥)١۴ عن أبى سـعيد الخدرى قال: سـمعت رسول الله (صلّى الله عليه وآله) يقول:الأئمه بعدى اثنا عشـر، تسـعه من صـلب الحسين والمهدى منهم. (كفايه الأثر)١۵ عن أبى أيوب الأنصـارى قال: قال رسول الله (صـلّى الله عليه وآله) لفـاطمه (رضـى الله عنهـا):منـا خير الأنبيـاء وهو أبوك، ومنا خير الأوصـياء وهو بعلك، ومنا خير الشـهداء وهو عم أبيك حمزه، ومنا من له جناحان يطير بهما فى الجنه حيث يشاء وهو ابن عم أبيك جعفر، ومنا سـبطا هذه الأمه سيدا شباب أهل الجنه الحسن والحسين وهما ابناك، ومنا المهدى وهو من ولدك. (منتخب الأثر للطف الله الصافى ص١٩١)١۶ من حـديث له (صـلّى الله عليه وآله):من أحب أن يلقى الله عز وجل وقد كمل إيمانه، وحسن إسـلامه، فليتولّ ابنه صاحب الزمان المهـدى. (أربعين الحافظ محمد بن أبى الفوارس. انظر إلزام الناصب ١:٣٢٧)١٧ قال رسول الله (صـلّى الله عليه وآله):طوبى لمن أدرك قـائم أهـل بيتى وهو مقتـد به قبـل قيـامه، يتولى وليه، ويتبرأ من عـدوه ويتولّى الأئمه الهاديه من قبله، أولئك رفقائى وذو ودّى ومـودتى. (الغيبه للشـيخ الطوسـى: ٢٩٠)١٨ عـن أبى عبـاس (رضـى الله عنهمـا) قـال: قـال رسـول الله (صـلّى الله عليه وآله):المهدى طاووس أهل الجنه. (كتاب الفردوس لابن شيرويه باب الألف واللام)١٩ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):ينزل بـأمتى فى آخر الزمـان بلاء من سـلطانهم لم يسـمع بلاء أشـد منه، حتى تضـيق عليهم الأرض الرحبه، وحتى تملأ الأرض جوراً وظلماً، لا يجد المؤمن ملجأ يلتجئ إليه من الظلم، فيبعث الله عز وجل رجلاً من عترتى فيملأ الأرض قسـطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض،

لا تدخر الأرض من بذرها شيئاً إلا أخرجته، ولا السماء من قطرها شيئاً إلا صبه الله عليهم مدراراً، يعيش فيهم سبع سنين أو ثمان أو تسع، تتمنى الأحياء الأموات ممّا صنع الله عز وجل بأهل الأرض من خيره. (المستدرک على الصحيحين ۴:۴۶۵) ۲۰ قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله):تملأ الأرض ظلماً وجوراً، ثم يخرج رجل من عترتى يملک سبعاً أو تسعاً، فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً. (مسند أحمد ۳:۲۸)

پاورقی

[۱] ر. ک: قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای ندبه، اصل عبارتی که در دعای مزبور آمده چنین است: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء».

[۲] ر. ک: همان، زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا. در بخشی از زیارت یادشده چنین آمده است: «فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد:».

[۳] همان جا.

[۴] القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۹۰، به نقل از: موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، قم، دارالمعروف، ۱۴۱۵ ق، ص ۶۵۹، ح ۶۸۸.

[۵] حسینی ترمذی، محمد صالح، مناقب مرتضوی، ص ۱۳۹، به نقل از: قرشی، علی اکبر، اتفاق در مهدی موعود۷، ص ۳۵.

[۶] الشیخ الصدوق،ابو جعفرمحمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۵۹ ق، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴; به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۶۶۱، ح ۶۹۳.

[۷] همان، ج ۱، ص ۲۵۷، به نقل از: حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۳۵.

[۸] همان، ج ۱، ص ۳۱۷، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، صص ۶۶۶- ۶۵۵، ح ۷۰۳.

[۹] الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸،

ص ۳۷، به نقل از حکیمی، محمد، همان، ص ۲۹۳.

[۱۰] در برخی از تفاسیر کلمه «والعصر» به وجود حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است.

[۱۱] علم الیقین، ج ۲، ص ۷۹۳، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، صص ۶۶۹- ۶۶۸، ح ۷۱۰.

[۱۲] صدرالدین الشیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۵، ج۴، ص ۲۲۰.

[۱۳] سوره حدید (۵۷)، آیات ۲۶ و ۲۷.

[۱۴] تفسیر القرآن الکریم، ج۶، ص۲۹۸.

[۱۵] نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار ۱۴۷.

[۱۶] تفسیر القرآن الکریم، ج۶، ص۲۹۹ - ۳۰۰ و شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۰.

[۱۷] سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

[۱۸] سوره مائده (۵)، آیه ۵۵.

[۱۹] همان، ص ۲۲۱.

[۲۰] شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۱.

[۲۱] تفسیر القرآن الکریم، ج۵، ص۵۲.

[۲۲] همان، ص۵۳.

[۲۳] همان، ج۷، صص ۱۷۱ - ۱۷۲.

[۲۴] صدرالدین شیرازی، محمد، مفاتیح الغیب، ص۳۷، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۳ عربی.

[۲۵] تفسیر القرآن الکریم، ج۶، ص ۳۰۱.

[۲۶] سوره بقره (۲)، آیه ۳.

[۲۷] تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص۲۶۸.

[۲۸] همان، ج۶، ص ۵۰.

[۲۹] مفاتیح الغیب، ص۴۸۷.

[۳۰] تفسیر القرآن الکریم، ج۵، صص۹۲ - ۹۱.

[۳۱] همان، ج۶، ص۳۰۲.

[۳۲] همان، ص۳۰۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹